

نقش مادران در تعالی زیست رسانه‌ای فرزندان بر اساس الگوی سوم زن مسلمان

فریبا شهیدی فر

مهری خیمه کبود

رقیه احمدی

زینب سلیمان فلاح

مجتمع آموزش عالی حوزوی امام حسن مجتبی

علیه السلام تهران

چکیده:

در عصر تحول سریع رسانه‌های دیجیتال، مادران با چالش‌های نوین تربیتی روبه‌رو هستند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر الگوی سوم زن مسلمان، نقش محوری مادران در مدیریت آگاهانه فضای مجازی و ارائه راهکارهای عملی را بررسی کرده است. داده‌ها از منابع معتبر و مصاحبه با صاحب‌نظران گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد، مادران با ایفای نقش راهبردی در تربیت رسانه‌ای می‌توانند به شکل‌دهی رفتارهای دیجیتال سالم در فرزندان کمک کنند. راهکارهای پیشنهادی شامل تنظیم برنامه زمان‌بندی استفاده از رسانه‌ها، آموزش تفکر انتقادی در مواجهه با محتوا و ایجاد تعادل میان فعالیت‌های مجازی و واقعی است. افزایش سواد رسانه‌ای مادران، نه تنها کیفیت زندگی دیجیتال خانواده را ارتقا می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر در حوزه فرزندپروری در عصر فناوری می‌گردد. نتایج می‌تواند راهنمایی عملی برای والدین و مسئولان تعلیم و تربیت باشد.

واژگان کلیدی: مادران، زیست رسانه‌ای فرزندان، تعالی خانواده، الگوی سوم زن مسلمان.

۱- مقدمه:

امروزه گسترش سریع فناوری‌های دیجیتال و نفوذ عمیق رسانه‌ها در زندگی روزمره، چالش‌های جدیدی برای تربیت فرزندان در خانواده‌های مسلمان ایجاد کرده است. کودکان و نوجوانان به طور فزاینده‌ای زمان خود را در فضای مجازی می‌گذرانند، در حالی که محتوای غالب این فضا بیشتر با ارزش‌های اسلامی-ایرانی در تضاد است. این وضعیت موجب شده مادران به عنوان اصلی‌ترین نقش‌آفرینان تربیتی، با دشواری‌های بی‌سابقه‌ای در مدیریت زیست رسانه‌ای فرزندان خود مواجه شوند. با وجود اهمیت این موضوع، هنوز الگوی جامعی که بتواند مادران مسلمان را در تربیت رسانه‌ای فرزندان در عصر دیجیتال راهنمایی کند، به صورت علمی ارائه نشده است. این پژوهش با تکیه بر الگوی سوم زن مسلمان و به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع اسلامی و یافته‌های علمی روز، درصدد ارائه راهکارهای عملی برای توانمندسازی مادران در مدیریت هوشمندانه زیست رسانه‌ای فرزندان است.

باید اذعان کرد، در شرایطی که رسانه‌های دیجیتال به یکی از اصلی‌ترین عوامل اجتماعی‌سازی نسل جدید تبدیل شده‌اند، این پژوهش از سه جهت حائز اهمیت است. نخست، از منظر علمی، این تحقیق به پر کردن خلأ موجود در ادبیات پژوهشی حوزه تربیت رسانه‌ای با ارائه چارچوبی نظام‌مند مبتنی بر الگوی سوم زن مسلمان می‌پردازد. دوم، از جنبه اجتماعی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به کاهش آسیب‌های فضای مجازی برای نوجوانان و تقویت نقش تربیتی خانواده‌ها کمک کند. سوم، از بعد فرهنگی، این مطالعه با ارائه راهکارهای بومی برآمده از ارزش‌های اسلامی، پاسخی علمی به چالش تعارض فرهنگی ناشی از رسانه‌های جهانی ارائه می‌دهد. از منظر کاربردی، نتایج این تحقیق می‌تواند مبنای ارزشمندی برای سیاست‌گذاران فرهنگی، برنامه‌ریزان آموزشی و مراکز مشاوره خانواده باشد. طراحی دوره‌های آموزشی سواد رسانه‌ای برای مادران، تولید محتوای دیجیتال همسو با ارزش‌های اسلامی، و توسعه ابزارهای نظارتی بومی از جمله دستاوردهای عملی این پژوهش محسوب می‌شوند. همچنین، این مطالعه با رویکردی بین‌رشته‌ای، گامی نوین در تلفیق علوم تربیتی، رسانه و مطالعات اسلامی برداشته و الگویی برای تحقیقات آتی در این حوزه ارائه می‌کند.

قابل ذکر است که محققین به دنبال کشف چیرستی نقش مادران در تعالی زیست رسانه‌ای فرزندان بر اساس الگوی سوم زن مسلمان، از رهگذر پاسخ دهی به سوالات زیر است:

1. الگوی سوم زن مسلمان چه ویژگی‌ها و اصولی دارد که می‌تواند در نقش مادران تأثیرگذار باشد؟
2. مادران بر اساس الگوی سوم زن مسلمان چه نقشی در مدیریت و کنترل استفاده فرزندان از رسانه‌های دیجیتال ایفا می‌کنند؟
3. نقش مادران در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی فرزندان در مواجهه با فضای رسانه‌ای از نگاه الگوی سوم زن مسلمان چگونه است؟
4. موانع و چالش‌های پیش روی مادران در اجرای نقش خود در زیست رسانه‌ای فرزندان چیست و چه راهکارهایی برای مقابله با آن‌ها پیشنهاد می‌دهد؟

جستجوها در این زمینه جهت پیشینه‌شناسی پژوهشی نشان داد که آثاری چند به قرار زیر نگارش یافته است:

مقاله: «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت نوجوانان»، نوشته: سوزان کریمی که در سایت سیویلیکا در سال ۱۳۹۶ آمده است.

کتاب: «زن تراز انقلاب اسلامی» نوشته: حسن رحیمپور از غدی که در سال ۱۳۹۵، توسط انتشارات سوره مهر در تهران به چاپ رسیده است.

این آثار بیشتر بر اثرات مصرف رسانه بر هویت و شخصیت نوجوانان تمرکز دارند، اما کمتر به نقش مستقیم مادران در هدایت و آموزش آن‌ها پرداخته‌اند. لذا تاکنون پژوهشی به طور خاص، به نقش این الگو در زیست رسانه‌ای فرزندان و تأثیر آن بر تربیت رسانه‌ای مادران نپرداخته است. در نتیجه، این مقاله قصد دارد این خلأ پژوهشی را پر کند و نقش مادران به عنوان الگوی سوم زن مسلمان در تعالی زیست رسانه‌ای فرزندان را بر اساس این الگو تحلیل کند.

۲- مفهوم شناسی:

مهم‌ترین واژگان کلیدی مقاله به قرار زیر است:

۲-۱- زیست رسانه ای:

زیست رسانه‌ای پارادایمی نو در عصر دیجیتال است که رسانه‌ها را از ابزار صرف فراتر برده و به محیطی فراگیر برای تجربه زیستی تبدیل می‌کند (مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۲۴). در این وضعیت مرز میان زندگی واقعی و فضای مجازی محو شده و رسانه‌ها نقش محوری در شکل‌دهی هویت، روابط اجتماعی و ادراک از واقعیت یافته‌اند؛ افراد نیز از مصرف‌کننده به تولیدکننده فعال تبدیل شده‌اند (صفری، ۱۴۰۱، ص ۱۲ و محمدی، ۱۳۹۹، ص ۸۵). از منظر اسلامی، زیست رسانه‌ای نیازمند بازتعریف مبتنی بر آموزه‌های دینی است تا با ارزش‌های اسلامی همسو شده و به تعالی فرد و جامعه کمک کند. این بازتعریف نیازمند الگوهای عملی است که مادران مسلمان بتوانند با بهرگیری از آنها نقش فعالی در تربیت رسانه‌ای فرزندان ایفا کنند (رحیمی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۵).

۲-۲- تعالی خانواده:

هر خانواده از مجموعه‌ای از افراد تشکیل می‌یابد که در پیوند خویشاوندی و زیستی قرار دارند و معمولاً در یک خانوار زندگی می‌کنند. «تعالی» مصدر باب تفاعل و از ریشه (علو) گرفته شده، و به معنای برتری، بلندی، پیشرفت، ترقی، رفعت، بلند پایه شدن، و بلند قدر شدن است (ابن فارس، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۱۱۹). اما در اصطلاح، «تعالی» موقعیتی پویا است که عوامل موجود در آن موقعیت به شکل خوب، استثنایی و مطلق وجود دارد و در آن موقعیت، افراد بر مبنای یک چارچوب ذهنی متشکل از ارزش‌های اساسی، ایده‌ها، و دانش، می‌اندیشند، حس می‌کنند و رفتار می‌نمایند. یک انسان تعالی طلب که خود را در فرآیند رشد و تعالی قرار داده است، به تدریج شکل می‌گیرد، نهادینه می‌شود و ظهور می‌کند. در این صورت، این انسان، به عنوان اسوه و الگوی تعالی انسان‌های دیگر تجلی پیدا می‌کند. «تعالی» صفتی است که علاوه بر فرد، در خانواده و جامعه نیز می‌تواند متبلور شود. با توجه

به این که خانواده از والدین و فرزندان تشکیل می‌شود، لذا صفت «تعالی» باید در همه اعضای آن ظاهر شود، تا «خانواده متعالی» شکل بگیرد (سویزی، ۱۳۸۷، ص ۲۳).

۲-۳- الگوی سوم زن مسلمان:

الگوی سوم زن مسلمان، به عنوان پارادایمی جامع، با تلفیق ارزش‌های دینی و مسئولیت‌های اجتماعی، راهی متعادل در برابر دو گفتمان افراطی سنتی و مدرن ارائه می‌دهد. این الگو که رهبر معظم انقلاب از آن به «زن تراز انقلاب اسلامی» تعبیر نموده‌اند (بیانات، سایت رهبری، 1401/07/25)، بر سه پایه استوار است: حفظ هویت دینی با الگوگیری از سیره حضرت زهرا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۴)، فعالیت اجتماعی هدفمند مطابق با فرمایش امام خمینی (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۳۴۲)، و نقش محوری در خانواده بر اساس روایت «المرء راعیه علی بیت بعلها و ولده و هی مسؤله عنهم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۳).

به گفته شهید مطهری، این الگو نه اسیر جمود سنتی است و نه مقلد بی‌قید مدرنیته (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۴۵). این الگو در عرصه‌های تربیت خانوادگی، فعالیت‌های علمی و حضور رسانه‌ای بانوان مسلمان تحقق یافته است. نمونه‌های عینی آن را می‌توان در پیشرفت‌های علمی زنان با حجاب و تأثیرگذاری اجتماعی مادران انقلابی مشاهده کرد که همزمان به تعالی خانواده و جامعه می‌اندیشند (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۲، ص ۵۰).

۳- یافته‌های تحقیق:

پس از ارائه چارچوب نظری پژوهش و تعریف واژگان کلیدی، نوبت به بیان یافته‌های پژوهش می‌رسد:

۳-۱- ویژگی‌ها و اصول الگوی سوم زن مسلمان:

برخی از ویژگی‌ها و اصول این الگو که در نقش مادران مؤثر است، عبارتند از:

۳-۱-۱- تعادل بین نقش خانوادگی و اجتماعی مادران مسلمان:

یکی از اصول کلیدی در الگوی سوم زن مسلمان، برقراری تعادل بین مسئولیت‌های خانوادگی و فعالیت‌های اجتماعی است. این الگو نشان می‌دهد که یک مادر مسلمان می‌تواند هم به تربیت فرزندان و مدیریت خانه بپردازد و هم در عرصه‌های علمی، شغلی و اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد. اسلام، نه تنها زنان را به حضور در اجتماع منع نکرده، بلکه در مواردی آن را تشویق نیز کرده است، مشروط بر اینکه به وظایف خانوادگی لطمه‌ای وارد نشود. حدیثی از پیامبر اکرم می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ همه شما نگهبان هستید و همه در برابر آنچه تحت مسئولیت شماست، پاسخگو خواهید بود» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۱۲۳). هر فردی در جامعه اسلامی، نسبت به آنچه تحت سرپرستی اوست، مسؤول است. زن مسلمان به خصوص در مقام مادری نیز به عنوان عضوی از جامعه و مدیر خانه، هم در قبال تربیت فرزندان و هم در قبال مشارکت در امور خیر و اجتماعی مسئولیت دارد (مراغی، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۳). از نگاه مقام معظم رهبری زن مسلمان ایرانی می‌تواند هم مادر نمونه باشد، هم دانشمند، هم فعال اجتماعی، و هم الگوی اخلاقی برای جامعه (بیانات، سایت رهبری، 1395/12/29 ش).

الگوی سوم زن مسلمان نشان می‌دهد که مادران می‌توانند هم نقش محوری در تربیت نسل داشته باشند و هم در عرصه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی فعال باشند. اسلام با ارائه چارچوب‌های اخلاقی و دینی، این تعادل را ممکن ساخته است. رهبری نیز همواره بر این نکته تأکید دارند که زن مسلمان نباید بین خانواده و اجتماع یکی را فدای دیگری کند، بلکه باید با برنامه‌ریزی و اتکا به ارزش‌های اسلامی، در هر دو عرصه موفق باشد.

۳-۱-۲- تربیت اسلامی انعطاف پذیر:

تربیت فرزندان در عصر حاضر با چالش‌های بی‌شماری روبه‌رو است. در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، مادران مسلمان نیازمند الگویی هستند که از سویی بر اصول ثابت اسلامی استوار باشد و از سوی دیگر با شرایط پیچیده امروزی انعطاف لازم را داشته باشد. تربیت اسلامی هوشمندانه، نه به معنای عدول از اصول کهن دینی، بلکه به معنای به‌کارگیری روش‌های نوین برای انتقال این اصول به نسل جدید است. در نظام تربیتی اسلام، میان اصول ثابت و روش‌های متغیر تمایز واضحی وجود دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَقِصْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» در راه رفتن میانه‌رو باش و صدایت را پایین بیاور» (لقمان: ۱۸).

علامه طباطبایی با اشاره به سیاق آیات لقمان، این آیه را نمونه‌ای بارز از «تربیت عملی غیرمستقیم» می‌داند. از نگاه ایشان، مادران و پدران مسلمان باید بدانند که تربیت دینی مؤثر، بیشتر از طریق همین رفتارهای به ظاهر ساده، اما پرمعنا محقق می‌شود تا از طریق سخنرانی‌های طولانی. وقتی کودک ببیند والدینش در راه رفتن، متعادل و در سخن گفتن ملایم هستند، این رفتار در نهاد او تأثیر می‌گذارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۱۷). در ضمن، امام علی در این مورد می‌فرماید: «رَبُّوا أَوْلَادَكُمْ غَيْرَ تَرْبِيَتِكُمْ؛ فرزندان تان را برای زمانی غیر از زمانه خود تربیت کنید» (سید رضی، ۱۳۸۱، حکمت ۷۰). این حدیث بر ضرورت تطبیق روش‌های تربیتی با شرایط آینده تأکید دارد. از نظر عده ای، اسلام به اصول ثابت تربیت پای بند است، اما روش‌ها می‌توانند مانند شاخه‌های درخت، انعطاف داشته باشند. تحمیل روش‌های قدیمی بر نسل جدید نتیجه معکوس دارد (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷). بنابر این، تربیت اسلامی موفق، نیازمند برقراری تعادلی ظریف میان ثبات در اصول و انعطاف در روش‌هاست. مادران مسلمان می‌توانند اصول ثابتی مانند توحید، نماز و اخلاق اسلامی را پایه تربیت قرار دهند و روش‌های تربیتی را با توجه به ویژگی‌های نسلی و شرایط اجتماعی به‌روز کنند. این همان نقطه طلایی تربیت اسلامی است که هم از سنت‌های اصیل دینی فاصله نمی‌گیرد و هم با نیازهای نسل جدید بیگانه نیست. الگویی که می‌تواند مادران مسلمان را در تربیت نسلی متعهد، آگاه و موفق یاری رساند.

۳-۱-۳- مسئولیت پذیری و مدیریت خانه در الگوی سوم زن مسلمان:

مدیریت خانه و مسئولیت‌پذیری در خانواده، از ارکان اساسی الگوی سوم زن مسلمان محسوب می‌شود. این الگو با تأکید بر آیات قرآن کریم، روایات معصومین و دیدگاه‌های علمای معاصر، مدیریت خانواده را نه تنها به عنوان یک وظیفه، بلکه به عنوان فرصتی برای رشد معنوی و تربیت نسل صالح معرفی می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ؛ آنها را در همانجا که خود سکونت دارید و در توان شماست، سکونت دهید» (طلاق: ۶). این آیه بر اهمیت مدیریت اقتصادی خانه تأکید دارد؛ نشان می‌دهد که مدیریت خانه باید بر اساس توانایی‌ها و به صورت متعادل

۳-۴-۲- موانع بیرونی مادران:

در تحلیل برخی روانشناسان، موانع بیرونی به مجموعه‌ای از عوامل محیطی، اجتماعی و فرهنگی اطلاق می‌شود که خارج از اراده و کنترل مستقیم مادر عمل می‌کنند، اما به طور عمیق بر کیفیت نقش تربیتی او در فضای رسانه‌ای تأثیر می‌گذارند. این موانع از جمله شامل فرهنگ غالب مصرف رسانه‌ای، ضعف نهادهای تربیتی سنتی (مانند مدرسه و مسجد)، و نبود پشتیبانی اجتماعی برای مادران است. این عوامل، نه تنها مادر را در برابر فرزند، بی‌پشتوانه و سردرگم می‌گذارند، بلکه گاه موجب می‌شوند تلاش‌های تربیتی مادر با مقاومت فرزند یا با بی‌تأثیری کامل مواجه شود (قنبری، ۱۴۰۱، ص ۶۵).

یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین موانع بیرونی، سلطه سبک زندگی رسانه‌ای جهانی‌شده بر سبک زندگی بومی دینی است. رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های اجتماعی، «سازندگان سبک زندگی جدید» هستند؛ سبک‌هایی که مبتنی بر مصرف‌گرایی، فردمحوری، آزادی بی‌حد و سرگرمی‌زدگی است (سجادی، ۱۳۹۸، ص ۶۵).

بسیاری از مفاهیم کلیدی تربیت اسلامی، همچون حیا، قناعت، عفاف، مسؤولیت‌پذیری و بندگی خداوند، یا به طور کلی در رسانه‌های مدرن غایب‌اند، یا دچار تحریف مفهومی شده‌اند (قنبری، ۱۴۰۱، ص ۶۵). فرزندان که با این پیام‌ها و تصاویر بزرگ می‌شوند، دیگر نه تنها با توصیه‌های مادر هم‌ذات‌پنداری نمی‌کنند، بلکه گاه آن را «عقب‌مانده» و «غیرواقعی» می‌دانند. از جمله عوامل تشدید این غلبه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) همه‌گیری و در دسترس بودن رسانه‌ها (تلفن هوشمند، وای‌فای، اپلیکیشن‌های تعاملی).

ب) جذابیت‌های بصری و هیجانی محتوای رسانه‌ای نسبت به ارزش‌های سنتی.

ج) ضعف الگوی جذاب رسانه‌ای در سبک زندگی اسلامی.

د) نبود «بازنمایی مدرن از دین» در رسانه‌ها (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴).

برای این مساله راهکارهایی نیز ذکر شده است:

۱- **بازتولید سبک زندگی اسلامی ایرانی با زبان رسانه‌ای جدید:** باید با بهره‌گیری از رسانه‌های بومی و هنرهای دیداری، سبک زندگی اسلامی را در قالب‌های جذاب و رسانه‌پسند بازآفرینی کرد. انیمیشن‌ها، ویدیوهای کوتاه، پادکست‌های مادرانه، و الگوهای موفق دینی باید به‌روز و قابل درک برای نسل امروز ارائه شوند (همان، ص ۱۴۲).

۲- **تقویت رسانه‌های ملی و بومی:** رسانه ملی باید محتواهای هماهنگ با فرهنگ دینی را در قالب‌های سرگرم‌کننده و آموزشی تولید کند. برنامه‌های خانوادگی، مجموعه‌های نمایشی کودکانه مبتنی بر اخلاق، و آموزش غیرمستقیم سواد رسانه‌ای در قالب برنامه‌های جذاب، نمونه‌ای از این راهکارهاست (سلیمانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷).

۳- **گفت‌وگوی نسلی به جای تقابل ارزشی:** مادران می‌توانند از طریق کارگاه‌های سواد رسانه‌ای، توانایی شناسایی سبک‌های رسانه‌ای و تضاد آن با ارزش‌های دینی را بیاموزند و سپس این تحلیل را به زبان ساده به فرزندان منتقل کنند (قراچه داغی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲).

۴-۲-۳- چالش های مربوط به کودک و نوجوان:

یکی از ابعاد پیچیده زیست رسانه‌ای، چالش‌هایی است که از درون خود کودک و نوجوان ناشی می‌شود؛ چالش‌هایی که به دلیل ویژگی‌های رشدی خاص این سن، مانند نیاز به استقلال، هیجان طلبی، جلب توجه و هویت سازی، به شدت بر تربیت رسانه‌ای سایه می‌افکنند. نوجوانان، اغلب رسانه را نه ابزار، بلکه بخشی از زندگی و شخصیت خود می‌دانند و همین امر، درک توصیه‌های والدین را برایشان دشوار می‌سازد. این مسأله یکی از مهم‌ترین موانع بیرونی پیش روی مادران در ایفای نقش تربیتی است و نوجوانان امروزی با تکیه بر حق آزادی دیجیتال، قوانین خانواده را بی‌اعتبار تلقی کرده و به سمت پنهان‌کاری، رمزگذاری و نافرمانی دیجیتال گرایش پیدا می‌کنند (قنبری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۹۸). در فضای زیست رسانه‌ای، یکی از چالش‌های پررنگی که مادران و به طور کلی والدین، با آن مواجه‌اند، شکاف نسلی است؛ شکافی که نه فقط در تجربه زیسته، بلکه در جهان‌بینی رسانه‌ای نسل‌ها نمایان می‌شود. کودکان و نوجوانان امروز، در محیطی رشد می‌کنند که رسانه، نه یک ابزار، بلکه بستری طبیعی برای زندگی، تعامل، تفریح، یادگیری و حتی هویت‌یابی است. در مقابل، بسیاری از مادران به واسطه تفاوت‌های فرهنگی، فاصله سنی و نداشتن آموزش کافی، نگرشی نگران، کنترلی و گاه تهدید محور نسبت به رسانه دارند (همان). در این وضعیت، فرزند آگاهانه و پنهانی، از راهبردهایی برای حفظ استقلال دیجیتال خود استفاده می‌کند، مانند نصب فیلتر شکن، مخفی‌سازی رمز گوشی، استفاده از اکانت‌های دوم، و حتی مسدودسازی والدین در شبکه‌های اجتماعی (سجادی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲). از نگاه نوجوان، حریم رسانه‌ای، حریم خصوصی فردی است، و هرگونه دخالت در آن، نوعی کنترل ناموجه یا «بی‌اعتمادی» تعبیر می‌شود. در ادامه، راهبردها و راهکارهای تربیتی برای مقابله با شکاف نسلی و نافرمانی دیجیتال ذکر می‌شود:

- ایجاد فضای گفت‌وگو و تعامل همدلانه:

یکی از بنیادی‌ترین راهکارها، جایگزینی شیوه گفت‌وگو به جای کنترل است. نوجوانانی که احساس کنند شنیده می‌شوند و نظرات شان جدی گرفته می‌شود، کمتر دچار نافرمانی رسانه‌ای می‌شوند. گفت‌وگوی همدلانه باعث کاهش اضطراب نوجوان و بازسازی اعتماد متقابل می‌شود (قراچه داغی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴). گفت‌وگو، نه برای نصیحت یا تحمیل، بلکه برای تبادل تجربه و همدلی است.

- مشارکت در تجربه رسانه‌ای به جای تقابل:

به جای ایستادن در مقابل رسانه، مادران باید تلاش کنند تا وارد دنیای رسانه‌ای فرزند شوند؛ برای مثال، با تماشای مشترک یک فیلم، بررسی یک اپلیکیشن، یا گفت‌وگو درباره یک شخصیت رسانه‌ای. مشارکت رسانه‌ای، مسیر انتقال ارزش‌ها را هموارتر می‌کند؛ زیرا با مقاومت فرزند روبه‌رو نمی‌شود (سلیمانی، ۱۴۰۰، ص ۹۸).

برای مقابله با چالش‌های فناورانه در زیست رسانه‌ای، صرف آگاهی والدین کافی نیست، بلکه باید راهکارهایی چندلایه و ترکیبی به کار گرفته شود که هم بُعد فنی را پوشش دهند و هم تربیتی و فرهنگی را. یکی از مهم‌ترین راهکارها، توسعه و حمایت از ابزارهای بومی کنترل والدین است؛ نبود نرم‌افزارهایی متناسب با نیازهای فرهنگی خانواده‌های ایرانی، باعث شده خانواده‌ها مجبور به استفاده از ابزارهای خارجی ناکارآمد یا ناسازگار با زبان و ارزش‌های خود شوند (سلطانی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۲).

بنابراین، طراحی اپلیکیشن‌هایی با رویکرد دینی تربیتی، که امکان نظارت هوشمند، زمان‌بندی مصرف و پالایش محتوای آسیب‌زا را فراهم کند، یک ضرورت فوری است و در کنار آن، ارتقای سواد فناورانه والدین نیز حیاتی است.

مادران و پدران باید با ساختار فنی الگوریتم‌ها، مکانیزم‌های وابسته‌ساز، و ابزارهای تنظیم محتوا آشنا شوند تا بتوانند به صورت هدفمند نظارت کنند (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰). افزون بر این، ایجاد فرهنگ مصرف متعادل رسانه از طریق الگوسازی عملی در خانواده نیز راهکار مکملی است؛ یعنی والدین خود نیز در مصرف رسانه اعتدال و هدف‌مندی را رعایت کنند تا الگوی رفتاری مؤثری برای فرزند فراهم شود (مهرانی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

نتیجه‌گیری:

این پژوهش به این نتیجه مهم دست یافت که الگوی سوم زن مسلمان با تلفیق هوشمندانه ارزش‌های اسلامی و نیازهای عصر دیجیتال، چارچوبی جامع برای مدیریت چالش‌های تربیت رسانه‌ای ارائه می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که مادران مسلمان می‌توانند با بهره‌گیری از این الگو، همزمان سه نقش کلیدی ایفا کنند: حفظ ارزش‌های دینی، تربیت تفکر انتقادی و آموزش استفاده مسئولانه از رسانه‌ها. آموزش سواد رسانه‌ای به مادران و تقویت مهارت‌های تحلیل محتوا در فرزندان، مؤثرترین راهکارهای شناسایی شده در این پژوهش بودند که تا حد زیادی موفقیت در مدیریت زیست رسانه‌ای خانواده را تضمین می‌کنند. دستاوردهای این تحقیق می‌تواند مبنای علمی ارزشمندی برای سیاست‌گذاران فرهنگی و برنامه‌ریزان آموزشی باشد. طراحی دوره‌های آموزشی سواد رسانه‌ای برای مادران، تولید محتوای دیجیتال جذاب مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و توسعه اپلیکیشن‌های نظارتی بومی از جمله پیامدهای عملی این پژوهش محسوب می‌شوند. همچنین، یافته‌ها بر ضرورت بازتعریف نقش مادران در عصر دیجیتال تأکید دارد و نشان می‌دهد که با توانمندسازی آنان، می‌توان هم از فرصت‌های رسانه‌ای بهره برد و هم از تهدیدات آن در امان ماند.

فهرست منابع:

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

الف-کتاب فارسی:

۱. امینی، ابراهیم (۱۴۰۰)، *تربیت دینی کودک*، قم: بوستان کتاب.
۲. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۹)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
۳. خسروی، محمد حسین (۱۳۹۸)، *سواد رسانه‌ای و تربیت اسلامی*، تهران: سمت.
۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. رحیمی، جعفر (۱۴۰۲)، *تربیت با آرامش*، تهران: پرسش.

۶. زواره، انسیه (۱۳۹۶)، *بررسی جامعه شناختی میزان سواد رسانه ای بین نسلی زنان*، تهران: پشنتیان.
 ۷. سجادی، مهدی (۱۳۹۸)، *بهره‌وری در نظام تربیتی ایران*، تهران: مدرسه.
 ۸. سویزی، مهری (۱۳۸۷)، *خانواده کارآمد و متعالی*، تهران: نیستان.
 ۹. فیشر، رابرت (۱۳۹۵)، *پرورش تفکر نقادانه در کودکان*، ترجمه: مهشید یاسایی، تهران: رشد.
 ۱۰. قرائتی، محسن (۱۳۹۹)، *تربیت اجتماعی در اسلام*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 ۱۱. قراچه داغی، مهدی (۱۳۹۹)، *تکنیک های کاربردی برای رفتار با کودک*، مشهد: آسیم.
 ۱۲. قنبری، محمد (۱۴۰۱)، *مه شکن*، تهران: تواندیشان.
 ۱۳. محمدی، سید محمد (۱۳۹۹)، *زیست‌رسانه‌ای و هویت دینی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۴. مردانی، محمد رضا (۱۴۰۲)، *مجموعه مقالات همایش ملی الگوی سوم زن مسلمان در گام دوم انقلاب اسلامی*، تهران: سازمان بسیج اساتید دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی.
 ۱۵. مرکز تحقیقات صدا و سیما (۱۳۹۸)، *دایره المعارف رسانه*، تهران: سمت.
 ۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
 ۱۷. (۱۳۹۶)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا.
 ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۹. مهرانی، فرامرز (۱۳۹۶)، *روانشناسی تبلیغات و رسانه*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
 ۲۰. هدایت گنجی، فرج الله (۱۳۸۵)، *الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه*، تهران: لشکر فرشتگان.
- ب- کتب عربی:
۲۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۳۷۸ق)، *شرح نهج البلاغه*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
 ۲۲. ابن فارس، احمد (۱۴۱۰ق)، *مقایس اللغة*، بیروت: دار الجیل.
 ۲۳. آمدی تمیمی، عبد الواحد (۱۴۲۶ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دار الکتب الاسلامی.
 ۲۴. بخاری، محمد (۱۴۲۲ق)، *الجامع الصحیح*، بیروت: دار ابن کثیر.
 ۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: اسلامی.
 ۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۸. مراغی، احمد (بی تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دار الفکر.

ج-مقالات:

۲۹. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۴۰۲)، «بازخوانی الگوی سوم زن در اندیشه اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی، ش ۱۵.

۳۰. سلیمانی، علی (۱۴۰۰)، «نقش رسانه ملی در تربیت رسانه‌ای کودک و نوجوان»، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی.

۳۱. صفری، مرتضی (۱۴۰۱)، «تحول سبک زندگی در عصر رسانه‌های دیجیتال»، ش ۱۵، مطالعات رسانه‌ای.

۳۲. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۷)، «بررسی نقش تفکر انتقادی در سواد رسانه‌ای دانشجویان»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی.

۳۳. کریمی، فاطمه (۱۳۹۸)، «چالش‌های تربیتی فضای مجازی در خانواده ایرانی»، مجله زن و خانواده.

د-نرم افزارها:

۳۴. سایت خامنه ای، بیانات در ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ و ۱۳۹۵/۰۵/۲۰ و ۱۳۹۵/۱۲/۲۹ و ۱۴۰۱/۰۷/۲۵.